

بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری با روش‌های تربیتی عصر مدرن

کلمه مجید زارعی*

راحله کاردوانی**

چکیده

روش تربیتی به معنای فنون و شیوه‌هایی است که اهداف تربیت را به ثمر می‌رساند. روش‌های تربیتی فرزندپروری، فونونی در جهت پرورش و استحکام بخشی شخصیت کودک می‌باشد و در هر رویکرد، به واسطه اصول و مبانی متفاوت، اهداف، مراحل و فنون خاص خود را دارد. بر این اساس، روش‌های تربیتی عصر مدرن در موضوع فرزندپروری، که عمدتاً توسط نظریه پردازان غربی در قرون نوزدهم و بیستم در زمینه روان‌شناسی تربیتی و روان‌شناسی رشد مطرح شدند، با روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام که مبتنی بر اصول و مبانی دین اسلام و با اهداف مورد تأیید این شریعت می‌باشد، علی‌رغم وجود نقاط مشترک، تفاوت‌های اساسی دارد. هدف از این پژوهش، بررسی تطبیقی و استخراج تفاوت‌های بنیادین روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری با روش‌های تربیتی عصر مدرن می‌باشد که به روش اسنادی، با شیوه تحلیلی - توصیفی انجام شده است. این دو گروه از شیوه‌های تربیتی، در اهداف، محورها و روش‌های تربیتی، تفاوت‌های بنیادینی دارند که به تفصیل در مقاله بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: روش تربیتی، فرزندپروری، حضرت زهرا علیها السلام، روان‌شناسی.

مقدمه

زمینه آموزش و مسائل آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، روان‌شناسی رشد نیز علمی است که جریان تحولات و تغییرات جسمی، ذهنی، عاطفی و عملکرد اجتماعی فرد را در طول عمر - از لحظه انعقاد نطفه تا هنگام مرگ - مطالعه می‌کند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۸، ص ۳) و علی‌رغم تلاش برای طرح روش‌های تربیتی، بیش از آنکه به ارائه روش‌ها و فنون تربیت و پرورش همه‌جانبه کودک پردازد، هدف ثبت تحولات طبیعی حیات انسان را دنبال می‌کند.

تربیت در دیدگاه اسلام، به‌عنوان مبنای روش تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری که اسوه‌ای از یک مادر مسلمان و تربیت‌یافته در مکتب رسول‌الله صلی الله علیه و آله است، طرحی همه‌جانبه در راستای پرورش و استحکام بخشی شخصیت انسان می‌باشد. یکی از روش‌های تربیتی در قرآن که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، روش اسوه‌نمایی به منظور الگوپذیری انسان‌ها از انسان‌های کامل و خودشکوفاست که علم روان‌شناسی نوین در مباحث روان‌شناسی کمال و موفقیت از آن تحت عنوان «الگوگیری از شخصت‌های سالم» بحث می‌کند. بنابراین، با بررسی روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری، می‌توان به ویژگی‌های الگویی کامل در این موضوع دست یافت.

اهمیت و ضرورت بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام و روش‌های تربیتی عصر مدرن را می‌توان در فهم تفاوت‌های این روش‌ها و بهره‌گیری از هر دو در بهبود و ارتقای روش‌های فرزندپروری برای ارائه به مادران مسلمان دغدغه‌مند دانست. این پژوهش، با بهره‌گیری از مطالعات صورت‌گرفته پیرامون روش‌های تربیت، با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، نگاهی نو به مسئله

انسان به‌عنوان گل سرسبد عالم خلقت و شگفت‌انگیزترین مخلوق خداوند، از چنان گوهر وجودی و حقیقی ملکوتی برخوردار است که با بارور نمودن آن، توانایی رسیدن به کمال، سعادت، فعلیت یافتن و در یک کلام، انسان شدن را دارد و پیمودن این مقصد، جز با تربیت حقیقی که البته از روش‌های مختلفی تبعیت می‌کند میسر نمی‌باشد.

تربیت فرزند یا فرزندپروری از مقولات مهم و پیچیده‌ای است که در طول قرن‌های متمادی موضوع تحقیقات و پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. حاصل این ممارست‌های علمی، نظریات بسیاری است که با مختصات و ویژگی‌های متمایز و بعضاً متناقضی در حوزه‌های مختلف فرزندپروری، اعم از مراحل رشد جسمانی، روانی، شناختی، اخلاقی، هوش، آموزش و... مطرح شده است. روان‌شناسی نوین عمدتاً در دو گرایش متفاوت با عناوین «روان‌شناسی تربیتی» و «روان‌شناسی رشد» به مباحث مرتبط با تربیت کودک پرداخته است. روان‌شناسی تربیتی در واقع، به معنای بهره از علم روان‌شناسی در فرایند تربیت انسان است. اما تربیت در این حوزه، گستره محدودی دارد و صرفاً در فعالیتهای مرتبط با آموزش فرد در کلاس درس و مدرسه مورد استفاده قرار می‌گیرد. روان‌شناسی تربیتی، امروزه به‌عنوان تعلیم و تربیت تجربی و یا شاخه‌ای از روان‌شناسی کاربردی شناخته شده است و علمی است که به ماهیت و چگونگی یادگیری، روش‌های آموزشی، سنجش و ارزشیابی آموخته‌های یادگیرندگان می‌پردازد (کریمی، ۱۳۸۰، ص ۴). می‌توان بیان کرد: این علم با به‌کارگیری معلومات حاصل از موضوعات و میدان‌های مورد مطالعه علوم دیگر، معلومات دیگری به وجود می‌آورد که در

در عربی واژه «رب» از دو ماده «ر ب ب» و «ر ب و» مشتق شده. ماده «ر ب ب» به معنای حضانت، اصلاح، سرپرستی، و سوق دادن شیء به سوی کمال، و ماده «ر ب و» به معنای زیاد شدن، تغذیه نمودن، و رشد و نمو کردن است (همت‌بناری، ۱۳۸۳، ص ۵۷).

ب) تعریف اصطلاحی: تربیت در علم روان‌شناسی تربیتی که خاستگاه آن عمدتاً کشورهای غربی و اروپا می‌باشد، همان‌گونه که از معادل لغوی آن یعنی «Education» نمایان است، به مفهوم آموزش دروس آکادمیک و شیوه‌های تعلیم و تربیت رسمی است.

یکی از مشهورترین نظریه‌های معاصر درباره تربیت، از آن جان دیویی است. او می‌گوید: «تربیت فرایندی اصیل میان مربی و متربی، ناشی از ضرورت زندگی اجتماعی و مبتنی بر رغبت‌های درونی و فعلی دانش‌آموز و متربی به منظور بازسازی تجربه برای رشد دموکراسی است» (کاردان و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱).

تربیت در اصطلاح روان‌شناسی نوین، به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن، هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به‌طور کلی، هدایت رشد همه‌جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنهاست (سیف، ۱۳۸۷، ص ۴۶۲).

به اذعان استاد مطهری، تربیت در دیدگاه اسلام عبارت از به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی هر شیء است (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۳۳). اسلام در تربیت چهره‌ای ممتاز دارد؛ زیرا برخلاف نظام‌های متداول تربیتی که فاقد جهت متعالی و هدف الهی هستند، دارای زیربنای معنوی و جهان‌بینی خدایی است و جهان را از مرزهای تنگ ماده‌پرستی و طبیعت‌گرایی، و زندگی را از تنگنای بی‌سرانجام و پوچ از زادن تا مردن که انسان را هم‌خانه گیاه

«روش‌های تربیتی کارآمد در فرزندپروری» (مرتبط با زمینه فرهنگی و دینی ما) دارد؛ زیرا علی‌رغم آنکه پژوهش‌های متعددی عمدتاً در قالب کتاب و مقاله در حوزه روان‌شناسی تربیتی مدرن و از سوی دیگر زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) صورت گرفته است و بخش مهمی از آنها در فهرست منابع این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند، رویکرد تطبیقی دیدگاه‌های اسلامی و مدرن به موضوع خاص روش‌های تربیتی با وجود اهمیت وافر این حوزه، تاکنون به‌طور خاص در هیچ پژوهشی مورد تدقیق و تحلیل قرار نگرفته است.

سؤالات اصلی و فرعی این پژوهش عبارتند از:

- تفاوت‌های مفهوم تربیت در دیدگاه اسلام و نظریات روان‌شناسی چیست؟

- مهم‌ترین روش‌های تربیتی عصر مدرن در فرزندپروری کدامند؟

- مهم‌ترین روش‌های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) در

فرزندپروری کدامند؟

- تفاوت‌های بنیادین این دو گروه از روش‌های تربیتی

کدامند؟

مفهوم‌شناسی

۱. تربیت

الف) تعریف لغوی: تربیت در لغت، مصدر باب تفعیل و از ماده «ربو» و به معنای پروردن و پروراندن (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه تربیت)، زیاد کردن، نمودادن، وسیله رشد را فراهم نمودن و پاک گردانیدن است (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۲۷). معادل مفهوم تربیت در انگلیسی واژه «Education» است که از دو ریشه «Educare» به معنای تغذیه یا خوراک دادن و «Educere» به معنای بیرون کشیدن «فرهیختن» و رهنمودن به... و خلاصه پروردن است (میلاره، ۱۳۷۵، ص ۱).

انسانیت بر مدار توحید و خداپرستی است؛ اما در دیدگاه روان‌شناسی، به دلیل تسلط انسان‌مداری و طبیعت‌گرایی بر آراء روان‌شناسان غربی، تربیت صرفاً با اهداف دنیوی و موفقیت‌های اجتماعی مفهوم می‌یابد.

۲. روش تربیتی

«روش» به‌طور کلی عبارت از فنون، شیوه‌ها و رفتارهایی است که اهداف و اصول تعلیم و تربیت را به ثمر می‌رساند و به آنها عینیت می‌بخشد (رفیعی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۶۷). روش، اسم مصدر از ریشه «راه» است. بنابراین، به نوعی راه و شیوه که قاعده‌مند و سنت‌شده و قابل پیروی باشد «روش» گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه روش).

بنا به تعریفی، روش‌های تربیتی، شیوه‌هایی است که با استفاده از آنها فرد می‌تواند تعلیمات و معارف حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری پیاده کرده و عمق بخشد و ناپاکی را از صفحه دل و روح خود یا دیگری بزدايد (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۶، ص ۱۵). بنابراین، به بیان ساده می‌توان گفت: روش‌های تربیتی، شیوه‌ها و رفتارهایی است که مربی برای تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی، به کار می‌بندد و اگر به آن شیوه‌ها توجه شود، با آزمون و خطا، نقاط قوت و ضعف آن دیده و قابل سنجش می‌شود. در حقیقت، روش‌های تربیتی مظهر و نمود بارز کار تربیت‌اند و بخش اعظم موفقیت مربی و یک نظام تربیتی، در گرو شیوه‌هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده و به کار می‌بندد. تشویق، تنبیه، محبت و ملامت از جمله روش‌های تربیتی‌اند، اما کمیت و کیفیت به‌کارگیری آنها و در نظر گرفتن وضع متربی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در اتخاذ روش‌های تربیتی، تنوع در روش به دلیل

و جانور می‌سازد، فراتر می‌برد و به سوی خداوند می‌کشاند و توحید را به‌عنوان فلسفه جهان‌بینی و معاد را به‌عنوان فلسفه زندگی مطرح می‌کند (شریعتی، ۱۳۸۹، ص ۹۸).

بنابراین، می‌توان گفت: تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای شکوفا شدن استعدادهای بالقوه انسان در جهت مطلوب. انسان در بدو تولد، حیوان بالفعل و انسان بالقوه است؛ بُعد حیوانی که متضمن حفظ حیات اوست، به صورت بالفعل موجود است و بُعد انسانی او به‌مثابه بذرهایی است که در درون او پاشیده شده است و در صورت پرورش، تبدیل به ارزش‌های والای انسانی می‌شود. از این‌رو، در تربیت اسلامی، بشر از لحاظ ظاهری انسان است و از نظر روحی و شخصیت درونی، زمانی به مقام والای انسانیت خواهد رسید که ارزش‌ها را در درون خود رشد دهد و انسانیت را در درون خود به فعلیت برساند.

از مفاهیم مرتبط با تربیت در دیدگاه اسلام، تعلیم به‌معنای «کسی را چیزی آموختن»، و تهذیب یا تزکیه به‌معنای «پاک کردن و زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه). در دیدگاه متفکران غربی، هدف تربیت عمدتاً «سازگار کردن انسان با محیط» است (مایر، ۱۳۷۴، ص ۱۳)، که به وضوح با هدف و مفهوم تربیت در اسلام متفاوت است. در دیدگاه اسلام، هم‌نوایی با عرف و اجتماعی که با تعالیم انبیا و منصوص آیات الهی متعارض باشد، مورد تأیید نمی‌باشد؛ همان‌گونه که در سال‌های اولیه بعثت نبی خاتم‌الکون ﷺ مبارزه با رسوم جاهلیت عرب از مهم‌ترین رسالت‌های آن حضرت بود. برای مثال، دین اسلام به همه اعضای جامعه دستور می‌دهد از برقراری ارتباط و دوستی و پیوندهای اجتماعی (عقود) با شارب‌الخمر بپرهیزند (روش قرنطینه‌سازی) (باقری، ۱۳۷۴، ص ۱۵). هدف تربیت در دیدگاه اسلام، شکوفایی

محیط بر سر راه نوزاد انسان نباشد، به صورت طبیعی، تربیت می‌شود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۸، ص ۸ و ۷).

برخی از روان‌شناسان مانند فریدریک فروبل (Friedrich Froeble) در قرن نوزدهم، با مقایسه کودک و حیوان، به گسترش نظریات تربیتی کودک پرداخته، شماری از جنبه‌های رشد کودک در هر دوره را بیان کردند. عمده‌ترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعات، مشاهده طبیعی، پرسش‌نامه و مصاحبه با والدین و آموزگاران کودکان بود (همان، ص ۸). آغاز روان‌شناسی تربیتی را نیز باید در همین قرن بین سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۹۰۰ دانست. در این دو دهه، تحقیقات تجربی در مورد خصوصیات انسان و قدرت‌های ذهنی او شروع گردید. این تحقیقات به سه دسته اندازه‌گیری، روان‌شناسی کودک و یادگیری تقسیم می‌شوند (مک‌دانلد، ۱۳۶۶، ص ۱۰). اما بیشترین مطالعات و تحقیقات تجربی و علمی درباره رشد جسمانی و روانی کودک در قرن بیستم انجام شده است. ابداع آزمون‌های هوشی کودکان، طرح نظریات فروید، پایه‌گذاری مکتب رفتارگرایی به‌عنوان مکتبی که تمامی پاسخ‌های کودک را به محرک‌های محیطی وابسته می‌دانست و بسیاری از نظریات پرآوازه دیگر در عرصه روان‌شناسی کودک در این قرن مطرح شدند.

بسیاری از نظریات مرتبط با روان‌شناسی کودک به نوعی آسیب‌شناسی و بیان مراحل تحول رشد کودک بسنده نمودند و روشی که به تربیت و پرورش درست و همه‌جانبه استعدادها بالقوه کودک بینجامد ارائه ندادند. گروهی دیگر، روش‌های تربیتی را بر مبنای مقایسه کودک و حیوان ارائه دادند که در دهه‌های مختلف و توسط نظریه‌پردازان متفاوتی به بوتۀ آزمایش کشیده شدند؛ روش‌هایی همچون شرطی‌سازی کلاسیک و عامل، الگوسازی، پاداش و

وجود تفاوت‌های فردی کودکان، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا یک روش در مورد یک انسان تربیت، و برای دیگری، ضد تربیت به ثمر می‌رساند. بنابراین، تناسب میان ویژگی‌ها و ظرفیت‌های فردی و نوع روش، در میزان تأثیر روش تربیتی مؤثر است.

از تعالیم و آموزه‌های اسلامی نمایان است که به‌طور کلی، می‌توان در تربیت، از دو دسته روش «اصلاحی» و «ایجاد» بهره گرفت. مراد از روش‌های اصلاحی روش‌هایی هستند که هدف از آنها، حذف یا کاهش یک رفتار ناپسند، اعم از رفتار ظاهری یا اموری درونی همچون تفکرات ناصحیح و ناپسند، می‌باشد و مراد از روش‌های ایجاد، روش‌هایی است که در ایجاد یک رفتار تازه یا تداوم و تثبیت رفتارهای نیک و درست، به کار می‌آید.

گذری بر روش‌های تربیتی عصر مدرن و روش‌های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) در فرزندپروری

۱. روش‌های تربیتی عصر مدرن

نخستین مطالعات تجربی درباره کودک که تحت عنوان «روان‌شناسی رشد» جای می‌گیرد، از قرن هفدهم آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. روش‌های تربیتی مطرح شده تاکنون از گستره وسیعی برخوردار است؛ نظریاتی که گاه متناقض‌اند و گاهی مکمل یکدیگر یا به موازات هم مطرح شده‌اند.

در قرن هفدهم، جان لاک معتقد بود: ذهن نوزاد همانند لوح سفیدی است که به‌واسطه محیط مساعدی رشد می‌کند و تنها با دخالت عوامل محیطی می‌تواند تجارب لازم برای حیات را به دست آورد. در مقابل، در قرن هجدهم، ژان ژاک روسو نوزاد را موجودی شریف و رام‌نشده نامید که دارای موهبت درونی تشخیص خیر و شر و نیز حس عدالت و اخلاق است و اگر دخالت نابخشودنی

دانستن آن با هر فردی است که دستورالعمل‌های خاصی را نسبت به کودک انجام دهد. هرچند، برخی از نظریات معاصر بعد از چند قرن آزمون و خطا، به تأثیر بی‌بدیل و غیرقابل جایگزین مادر در رشد عاطفی، ذهنی و جسمی نوزاد تأکید دارند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲).

۲. روش‌های تربیتی حضرت زهرا (ع)

حضرت زهرا (ع) را می‌توان اسوه‌ای از یک مادر نمونه در دیدگاه اسلام دانست که در مکتب رسول خدا (ص) پرورش یافته و در رفتار و گفتار و تقریر، تعالیم دین اسلام را به تمام و کمال به نمایش گذاشته است. بر همین اساس، در کنار ذکر مهم‌ترین روش‌های تربیتی دین اسلام، سیره حضرت زهرا (ع) در موضوع فرزندپروری، به‌عنوان نمونه عملی هر روش بیان می‌گردد.

براساس آیات و روایات اسلامی، می‌توان اذعان داشت: تربیت اسلامی عنوانی است برای نشان دادن طرح جامع و هدفمند اسلام در ساخت و پرداخت انسان؛ طرحی که در سایه آن، آدمی واقعیت انسانی خود را می‌یابد و از دیگر مخلوقات خداوندی مشخص و برتر می‌شود. در بیان اهمیت بسیار زیاد تربیت در دیدگاه اسلام، همین بس که مولا علی (ع) فرمودند: «بهترین اثری که والدین می‌توانند برای فرزندان خود باقی بگذارند، تربیت صحیح است» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۳).

در طرح جامع دین اسلام در موضوع تربیت، توجه به تربیت فرزند از هنگام انتخاب همسر آغاز می‌شود. رسول خدا (ص) در حدیثی درباره انتخاب همسر فرمودند: «از ازدواج با زن زیبایی که در محیط فاسدی رشد و پرورش یافته است، بپرهیزید» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۵۱). پس از آن، مدتی قبل از شکل‌گیری نطفه نوزاد، برنامه تربیتی وی ادامه می‌یابد. همان‌گونه که نطفه حضرت

انگیزش تشویقی، تقلید، بازی نمایشی و... (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۳۵، ۴۵۸ و ۴۶۰).

از مهم‌ترین ویژگی‌های مثبت و قابل توجه روش‌های تربیتی نوین، این است که این روش‌ها عمدتاً براساس آزمایش‌های متعدد و برخاسته از داده‌های طبیعی است و از این لحاظ در کمک به کنترل برخی از ویژگی‌های ثابت انسانی مانند ترس، خشم، نفرت و... می‌توانند کمک‌رسان باشند. اما این روش‌ها از چند جهت دارای ضعف جدی می‌باشند: اول اینکه، هر روش زاینده ذهن و عمل انسانی است که به دلیل محدودیت‌های دنیوی و انسانی دارای نقص و خطاست. همان‌گونه که در عمل نیز، هر روشی که مطرح می‌گردد، به سرعت توسط نظریه‌پردازان دیگر به چالش کشیده می‌شود. این نقص می‌تواند نسلی از کودکان را که با روش‌های ارائه‌شده یک گروه دارای خطاهای بزرگ، تربیت می‌شوند با آسیب‌های جدی روبه‌رو کند.

دوم اینکه، روش‌های نظریه‌پردازان روان‌شناسی عمدتاً از آزمایش‌هایی بر روی حیوانات به‌ویژه میمون‌ها حاصل شده‌اند و به همین دلیل، با ویژگی‌های فطری و منحصر به انسان نامأنوسند و نمی‌توانند رشد همه‌جانبه فکری و معنوی انسان را تأمین کنند.

سوم اینکه، هر روش تربیتی براساس اهداف و ذهنیات مبدع آن طرح می‌شود و نمی‌تواند برای فرهنگ‌های متفاوت مناسب باشد.

چهارم اینکه، عمده‌ترین هدف روش‌های تربیتی عصر مدرن، سازگار کردن کودک با محیط و اجتماعش است و مفاهیم بلند حق‌گرایی و عدالت‌خواهی به ندرت مورد توجه و تأکید واقع می‌شود.

و در نهایت، مشکل جدی نظریه‌پردازی غربی در حوزه روان‌شناسی کودک، در مورد سهل‌انگاری و نادیده‌انگاری نسبت به نقش «مادر» و قابل جایگزین

تمرین و آموزش ارتباط جنسی به فرد در دوران رشد وی از کودکی تا پیش از ازدواج تأکید می‌شود.

۲-۲. شناخته‌های تربیت اسلامی

شناخته‌های تربیت اسلامی را می‌توان به‌طور کلی در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. **تربیت اسلامی:** جامعیت تربیت اسلامی از این نظر است که شامل جسم و روح، فرد و جمع، و دنیا و آخرت می‌شود و این ابعاد با رجوع به آیات و روایات قابل پیگیری است (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۴۰).

۲. **عبادت بودن تربیت اسلامی:** در اسلام، آن قدم‌هایی را که انسان برای رشد و کمال خود و پرورش دیگران برمی‌دارد و در جهت رضای خداست، عبادت محسوب می‌شود. قرآن کریم، علت خلقت انسان را عبادت و پرستش می‌داند (ذاریات: ۵۶) و این عبادت در تمامی اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان قابل تحقق است. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «به این امر که فرد رکوع و سجود نمازش را طول می‌دهد نگاه نکنید؛ زیرا این، موردی است که به آن عادت کرده است و می‌ترسد ترک کند؛ بلکه به راستی گفتار و ادای امانت او نگاه کنید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۵). این حدیث، دلالت دارد بر اینکه عبادت باید در اعمال و رفتار اجتماعی فرد بروز کند.

۳. **تکیه داشتن تربیت اسلامی بر تزکیه و تعلیم:** اسلام تزکیه نفس و آراستگی اخلاقی را مقدم بر تعلیم می‌شمارد (جمعه: ۲).

۴. **محوریت اعتدال و انصاف در تربیت اسلامی:** در رویکرد اسلامی به تربیت، مقوله «عدالت» به معنای تام آن مورد توجه قرار گرفته است. در یک معنا، سفارش به دوری از افراط و تفریط در رفتار نسبت به کودکان می‌شود و در مفهومی فراتر، رفتار هماهنگ و منصفانه در بذل محبت و

زهرا (علیها السلام) به دستور خداوند، پس از چهل روز عبادت و مناجات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت خدیجه (علیها السلام) بسته شد (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۳۱).

همچنین دوران بارداری و شیردهی مادر، از مهم‌ترین مراحل تربیتی انسان به‌شمار می‌آید. در روایتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده است: «فرزندانتان را از شیر زن بدکاره و دیوانه باز دارید؛ زیرا شیر واگیردار است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵). از همان لحظه تولد نیز که اذان در گوش نوزاد خوانده می‌شود، پیام آغاز زندگی در دنیای خاکی با ذکر «لا اله الا الله»، به کودک القا می‌گردد. تمامی این مراحل با هدف تربیت دینی صورت می‌گیرد و از اهمیت وافری برخوردار است.

در طول رشد کودک نیز تعالیم بسیار زیبا و کارآمدی در جهت تربیت صحیح وی در آیات و روایات ارائه شده است. برای مثال، یکی از مهم‌ترین و دقیق‌ترین تعالیمی که در این باره در سوره مبارکه «نور» (آیات ۵۷ و ۵۸) بدان اشاره شده است، در مورد لزوم اجازه گرفتن کودکان به هنگام ورود به محل استراحت پدر و مادرشان است. این تعالیم، برخلاف آراء روان‌شناسانی همچون فروید و پیروانش که بر بی‌پردگی و بروز جنسی در رشد کودک تأکید دارند، بر ایجاد حیا و عفت در طفل پای می‌فشارند. در تمامی سوره مبارکه «نور»، اهتمام اصلی آیات، بر ارائه راه کارهای کاهش و محو بدکاری‌ها و انحرافات جنسی در مورد فرد و جامعه است. در حقیقت، تأکید کلام وحی بر تربیت و آموزش کودک در مورد اجازه خواستن در هنگام ورود به محل استراحت پدر و مادر، نوعی پیشگیری از جرایم و انحرافات جنسی وی در بزرگسالی است. این تعالیم با هدف پاک‌ی و طهارت فرد و جامعه پیوند دارد و به همین دلیل، نه تنها به هیچ شکلی، در آراء روان‌شناسان غربی مشاهده نمی‌شود، بلکه در مقابل، به‌طور جدی بر

همه‌جانبه کودک است. در روایات بسیاری که در این نوشتار، فرصت پرداختن به آنها نیست، بر ارزش و اهمیت مادری در دیدگاه اسلام تأکید شده است. از سیره حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که ایشان نسبت به فرزندان خود محبت و عطوفت بسیاری نشان می‌دادند و با توجه به نیازهای طفل خویش عمل می‌کردند. نقل شده که «روزی بلال دیر به مسجد آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال فرمود: چرا دیر آمدی؟ عرض کرد: از کنار خانه فاطمه علیها السلام می‌گذشتم درحالی‌که با دست خود آسیاب می‌کرد و کودکش حسین علیه السلام گریه می‌کرد، به او عرض کردم: اگر اجازه می‌فرمایید من آسیاب می‌کنم و شما کودک را آرام کنید، یا من کودک را آرام کنم و شما آسیاب کنید. فرمود: من نسبت به فرزند مهربان‌تر از تو هستم. من برای آن حضرت آسیاب کردم. پیامبر فرمودند: تو به فاطمه رحم کردی، خداوند تو را مشمول رحمتش فرماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸۰).

همچنین نقل شده که حضرت زهرا علیها السلام فرزندان خود را به بازی و مسابقه تشویق می‌کرد و گاهی با آنان به بازی مشغول می‌شد و با حرکت‌ها و گفتارهای شیرین مادرانه و بالا و پایین انداختن فرزندان خود، آنان را از احساسات پاک مادری سیراب می‌نمود (نبلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۷۸). ابراز محبت و ارتباط قوی مادر با طفل، یک نیاز حیاتی برای رشد کودک محسوب می‌شود. به اذعان تاریخ، در قرن سیزدهم میلادی سزار فریدریک دوم به والدین و نیز مادران رضاعی دستور داد که کودکان تحت مراقبت خویش را فقط غذا بدهند و شست‌وشو کنند، ولی حق هیچ‌گونه مهر ورزیدن و صحبت و بازی کردن با آنان را ندارند. او می‌خواست کودکان، زبان یاد نگیرند تا وقتی بزرگ شدند، هر دسته از آنان را با یک زبان آشنا کند. این کار او موجب شد که این کودکان به دلیل عدم ارتباط اجتماعی و عاطفی با

توجه به‌طور مساوی بین فرزندان مورد تأکید واقع شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید دیگران در مورد شما به عدالت و محبت رفتار کنند» (نمازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۸۴) و نیز در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بدترین پدران کسانی‌اند که نیکی به فرزندان، آنان را به ورطه افراط کشاند» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۰).

در سیره حضرت زهرا علیها السلام نمونه‌هایی که نشانگر توجه و دقت ایشان نسبت به رفتار توأم با عدالت بین فرزندان است، نقل شده است. گفته شده است، روزی امام حسن و امام حسین علیهما السلام به درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله کشتی گرفتند. حضرت زهرا علیها السلام می‌گوید: من دیدم که پیامبر با جملاتی حسن را تشویق کرده، درصدد تقویت اوست. بدین خاطر به پدرم گفتم: «ای پدر بزرگوار! از شما تعجب می‌کنم که یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهید، آن‌هم بزرگ‌تر را بر کوچک‌تر!» پیامبر فرمود: «دوستم جبرئیل حسین را تشویق و تحریک می‌کند و من حسن را تشویق می‌کنم.» از این رو، حضرت زهرا علیها السلام به عدم تبعیض بین کودکان اهتمام داشتند.

همچنین در نمونه‌ای دیگر، قضاوت عادلانه حضرت زهرا علیها السلام بین دو کودک خردسال خویش در مسابقه خطاطی بین امام حسن و امام حسین علیهما السلام مورد تأمل است. ایشان با در نظر گرفتن روحیه حساس و زودرنج کودکان، با ریختن دانه‌های گردن‌بند خود بر زمین و تشویق کودکان به جمع کردن آنها، قضاوت را به درستی به خود آنان واگذار کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۰۹).

۵. ارزشمندی و تأکید بر نقش مادری در تربیت اسلامی: از مهم‌ترین ویژگی‌های تربیتی دین اسلام که در سیره حضرت زهرا علیها السلام نیز دیده می‌شود، تأکید بر نقش مادر و انس و محبت وی نسبت به طفل در رشد و شکوفایی

زهرا (علیها السلام) در این باره نقل شده، مقدم دانستن همسایگان بر خود در دعاها شبانه می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۲ و ۹۰). هم اصل مناجات و ارتباط با خدا در شب و هم شیوه دعا کردن حضرت، الگویی صحیح و عملی برای فرزندان‌شان می‌باشد.

همچنین مقدم داشتن دیگران بر خود - که اصلی بسیار ارزشمند و انسانی در تعالیم دینی ماست - در سوره مبارکه «انسان» نسبت به خانواده حضرت زهرا (علیها السلام) ذکر شده است. در آیات ابتدایی این سوره، به داستان سه روز روزه‌داری این خانواده و اطعام فقیران با طعام خود اشاره شده است که اوج روحیه ایثار و استقامت این خانواده شریف را نمایان می‌سازد. چنین الگوسازی برای کودکان است که فرزندان هم چون امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و زینب کبری (علیها السلام) را به جامعه بشریت تقدیم می‌کند که علاوه بر شکوفاسازی اصل انسانی گذشت و ایثار در کودک، روحیه انفاق گروهی را نیز در وی ایجاد می‌کند.

از دیگر ابعاد مهم روش الگودهی در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)، التزام تام و تمام ایشان به اصل حیا، حجاب و عفاف است که به طور جدی برای منش فرزندان‌شان تأثیرگذار بوده است. از آشناترین موارد مطرح در این عرصه، حجاب گرفتن حضرت زهرا (علیها السلام) در مقابل مرد نابینا می‌باشد (همان، ص ۹۱).

می‌توان موارد بسیاری را در حوزه روش الگودهی از سیره حضرت زهرا (علیها السلام) در عرصه‌های مختلف، عبادی، فردی، اجتماعی و خانوادگی ذکر کرد که در این مجال نمی‌گنجد و باید به طور کلی اذعان داشت که خودسازی فردی پدران و مادران از ارکان تربیتی دیدگاه اسلام به‌شمار می‌رود؛ زیرا کودکان به واسطه ویژگی‌های طبیعی‌شان همواره در حال سرمشق‌گیری از نزدیک‌ترین سرپرستان خود هستند که غالباً در درجه اول مادر و سپس

مادر و در نتیجه، عدم رشد روانی، یکی پس از دیگری از بین بروند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۸، ص ۶).

مهم‌ترین روش‌های تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) در موضوع فرزندپروری

با رجوع به آموزه‌های اسلام و سیره عملی حضرت زهرا (علیها السلام)، مهم‌ترین روش‌های تربیتی ایشان در موضوع فرزندپروری را می‌توان به قرار ذیل دانست:

۱. **روش الگودهی:** الگو به معنای سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه و... می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه الگو). در این روش، مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متری قرار دهد و بدین‌گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه، در خویش پدید آورد. این روش، با عنایت به آیات قرآن کریم (ممتحنه: ۴ و ۶؛ احزاب: ۲۱) که در آنها، دو تن از انبیای بزرگ الهی، یعنی حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، «اسوه حسنه» (الگوهای نیک) معرفی شده‌اند، به خوبی قابل درک است. مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی شایسته از دیدگاه اسلام را می‌توان مطابقت گفتار با عمل (صالحی، ۱۳۸۴، ص ۴۱)، محبت و دلسوزی (توبه: ۱۲۸)، صبر و استقامت (سجده: ۲۴) و ایمان و تقوا دانست.

در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)، این روش تربیتی کاملاً نمودار است. ایشان به اذعان احادیث متعددی از ائمه اطهار (علیهم السلام) در عمل خود نسبت به رعایت آموزه‌های اسلامی بسیار دقیق و عامل بودند. هر عمل حضرت یک الگوی صحیح برای فرزندان‌شان به‌شمار می‌آید. از راست‌گویی و صداقت، که از مهم‌ترین ویژگی‌های یک انسان به‌شمار می‌روند، گرفته تا شهامت و صبر و استقامت. از آشناترین مواردی که از سیره حضرت

خود را نشان می‌دهد. ایشان فرزند خویش را از همان کودکی به ظلم‌ستیزی و حق‌گرایی دعوت می‌کند و انسانیت را در او شکوفا می‌سازد.

۳. **روش تمثیل، تشبیه و قصه‌گویی:** این روش که در قرآن کریم به وفور مشاهده می‌شود (عنکبوت: ۴۱ و ۴۳؛ کهف: ۴۵)، برای بیان مفاهیم و معانی بلند معنوی و عقلانی است که از سطح فهم عامه مردم بالاتر است. این روش، در تربیت کودک بسیار کارآمد و مناسب است.

همان‌گونه که در روایت پیشین اشاره شد، حضرت زهرا علیها السلام مفهوم والای ظلم‌ستیزی را به زبان شعر به کودک خود آموزش می‌دهند و به این شیوه، به درک آن توسط کودک کمک می‌کنند.

۴. **روش ایجاد عادات درست از کودکی:** یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا علیها السلام بدان توجه و تأکید داشتند، ایجاد عادات صحیح در فرزند از همان دوران طفولیت است. نقل شده که حضرت زهرا علیها السلام فرزندان خویش را از کودکی به انجام عبادت و ارتباط با خداوند تشویق و عملاً نیز این عادت را در آنها ایجاد می‌کردند. ایشان در شب ۲۳ ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری و نخفتن وادار می‌کردند و برای آن برنامه‌ریزی داشتند، به طوری که در طول روز به استراحت و خواب کافی طفل توجه داشتند تا در آن شب خاص، کودک از معنویت آن بهره‌مند شود و به عبادت و شب‌زنده‌داری عادت کند (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۲).

۵. **روش محبت‌ورزی و ملامت با کودک:** از ارکان تربیت صحیح کودک، ایجاد روابط توأم با احترام و محبت مابین طفل و والد است. در حقیقت، محبت‌ورزی یک روش مهم در تربیت است؛ زیرا از طریق گفتار و رفتار همراه با عطوفت می‌توان اولاً، بسیاری از مفاهیم مهم اجتماعی و فردی را به کودک تفهیم نمود و ثانیاً، زمینه مساعد برای تأثیر سایر روش‌های تربیتی را نیز از این طریق فراهم نمود

پدر می‌باشد. از این رو، عمدتاً پدر و مادر رفتاری که از خود بروز می‌دهند را بعد از گذشت مدت زمانی، از فرزند خود مشاهده خواهند کرد و در طرح جامع اسلام در تربیت و سیره حضرت زهرا علیها السلام، این اصل بسیار مهم و بنیادین مورد اهتمام جدی واقع شده است.

۲. **روش موعظه حسنه:** موعظه از شیوه‌هایی است که صریحاً در قرآن مجید به عنوان یکی از روش‌های دعوت به حق و از شیوه‌های تربیتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است (نحل: ۱۲۵؛ سبأ: ۴۶). موعظه به معنای بازداشتن همراه با ترساندن آمده است: «الموعظة هو زجر مقترن بالتخويف» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل واژه وعظ). علامه طباطبائی می‌فرماید: موعظه بیانی است که نفس شنونده را نرم و قلب او را به رقت می‌آورد (طباطبائی، ۱۹۹۷م، ج ۱۲، ص ۳۷۲). موعظه در آیات کریمه قرآن مقید به صفت «حسنه» شده است تا آن را از موعظه «سیئه» جدا سازد. موعظه حسنه با شرایطی واقع می‌شود که برای وعظ، واعظ مفید و کارآمد است. از شرایط موعظه کردن این است که باید از روی خیراندیشی، با زبان نرم، به دور از سرزنش و توبیخ و نصیحت‌های فردی، در خلوت و دور از جمع صورت گیرد (نحل: ۹۰).

نقل شده است که فاطمه علیها السلام در هنگام بازی با فرزندش امام حسن علیه السلام وعظ‌هایی را در قالب شعر به ایشان تعلیم می‌دادند: «پسرم حسن! مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق برکن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است، و هیچ‌گاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن» (انصاری، ۱۳۷۲، ص ۸۹). این سخنان، علاوه بر آنکه به روش تربیتی موعظه اشاره دارد، عیان می‌سازد که موعظه به کودک باید با زبانی شیرین و کودکانه و در هنگام بازی باشد. همچنین، محتوای این کلام، بزر اندیشی حضرت زهرا علیها السلام در برخورد با طفل

غربی، مهم‌ترین هدف از رشد و تربیت کودک، هم‌نوا و سازگار ساختن وی با محیط پیرامون و عرف و اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. اما روش‌های تربیتی اسلام در راستای هدف خداپرستی و حق‌گرایی و بر حول محورهایی همچون اخلاق‌مداری، طهارت و شکوفایی انسانیت است. به همین دلیل، اگر عمل اشتباهی در جامعه به صورت عرف و عادت بود، دین اسلام به همراهی و هم‌نوايي با آن تشویق نمی‌کند. همچنین مکتب تربیتی اسلام، همه ابعاد و ساحت‌های وجودی انسان را پوشش داده و برنامه و طرحی جامعی از هنگام انتخاب همسر، پیش از بارداری، دوران بارداری و شیردهی و سپس در روند رشد فرزند تا انتها ارائه می‌دهد. اما در تمامی این مراحل، اهداف اصلی تربیت اسلامی و محورهای بنیادین نظام ارزشی اسلام مورد توجه می‌باشد. حال آنکه در روان‌شناسی عصر مدرن ساحت‌های معنوی وجود فرد برای تربیت تا به حال مورد نظر نبوده‌اند.

۳. هر نظریه در روان‌شناسی مدرن بر مبنای تفکر یک فرد نشو و نما می‌یابد که در اندک زمانی توسط صاحب‌نظری دیگر و با مبنای فکری متفاوتی مورد چالش و نقد قرار می‌گیرد. این روند علی‌رغم آنکه برای پیشبرد اهداف علمی و بهبود نظریات مطرح شده بسیار کارآمد است، اما با مشکل بزرگی روبه‌روست و آن، آسیبی است که به نسل کودکان رشد یافته با نظریه‌ای نادرست و نسنجیده وارد می‌شود. درحالی‌که در دیدگاه اسلام، به دلیل جهان‌شمول بودن فضایل انسانی، بسیاری از روش‌های تربیتی در هر دوره و زمانی و برای هر نوع فرهنگی قابل طرح می‌باشد.

۴. روش‌های تربیتی روان‌شناسی نوین اغلب براساس تحولات طبیعی و جسمی کودک ارائه شده‌اند. این روش‌ها به‌طور خلاصه مواردی همچون شرطی‌سازی

و ثالثاً، موجب تحصیل رفتار محبت‌آمیز در خودکودک شد. این روش که در سیره تربیتی تمامی معصومان علیهم‌السلام دیده می‌شود، در سیره قولی و عملی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سپس حضرت زهرا علیها السلام با فرزندان‌شان ریشه دارد. در روایاتی، ایجاد رابطه عاطفی حضرت زهرا علیها السلام با کودکان خویش از طریق بوسیدن، بوییدن و در آغوش کشیدن آنها نقل شده است (نیلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰-۱۸۲). حتی ایشان در این زمینه، در وصیت خویش به امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «بعد از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کن؛ زیرا او با فرزندانم مهربان است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۹۲).

بحث و نتیجه‌گیری

گفته شد: تربیت، برنامه‌ای سنجیده و هدفمند به منظور رشد و شکوفاسازی استعدادها بالقوه انسان است. تربیت در دو دیدگاه روان‌شناسی عصر مدرن و اسلام از نظر ویژگی‌ها، تعریف، هدف، محدوده، محورها و شاخصه‌های تربیت و نیز روش‌های تربیتی، تفاوت‌های بنیادینی دارند. در پاسخ به سؤالات اصلی و فرعی این پژوهش، باید اذعان داشت:

۱. تعریف تربیت در دو دیدگاه روان‌شناسی مدرن و اسلام به‌عنوان مبنای روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری متفاوتند؛ زیرا هریک از این دو دیدگاه، مبتنی بر نظام ارزشی و مبانی فکری متفاوتی هستند. مفهوم تربیت در روان‌شناسی عصر مدرن بیشتر به معنای آموزش آکادمیک و رسمی و نیز بررسی مراحل رشد جسمی و ذهنی کودکان است. اما تربیت در دیدگاه اسلام، با شکوفایی استعدادها فطری و انسانی فرد پیوند دارد.
۲. اهداف و محدوده تربیت نیز به تبعیت از تعریف آن در این دو دیدگاه متفاوت است. در دیدگاه روان‌شناسان

— (۱۳۸۴)، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، تهران، رشد.
 دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
 راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق)، المسفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
 رفیعی، بهروز (۱۳۹۱)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن، تهران، سمت.
 سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران، دوران.
 شریعتی، علی (۱۳۸۹)، مکتب تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، چاپخش.
 صالحی، محمد موسی (۱۳۸۴)، سسیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآنی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
 صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷)، معانی الاخسبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 طباطبائی، سید محمد حسین (۱۹۹۷م)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، چ چهارم، قم، شریف رضی.
 کاردان، علی محمد و همکاران (۱۳۸۰)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۱)، تهران، سمت.
 کریمی، یوسف (۱۳۸۰)، روان‌شناسی تربیتی، تهران، ارسباران.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه.
 مایر، فردریک (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌های دینی، ترجمه علی اصغر فیاض، تهران، سمت.
 مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 مصباح، محمد تقی (۱۳۸۳)، جامی از لزال کوثر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، صدرا.
 مک‌دانلد، فردریک (۱۳۶۶)، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه زهره سرمد، تهران، دانشگاه تهران.
 موسوی کاشمیری، سید مهدی (۱۳۸۶)، روش‌های تربیت، قم، بوستان کتاب.
 میالاره، گاستون (۱۳۷۵)، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
 نیلی‌پور، مهدی (۱۳۸۷)، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، مرکز فرهنگی رزمندگان اصفهان.
 همت‌بناری، علی (۱۳۸۳)، تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.

کلاسیک و عامل، الگوسازی، پاداش و انگیزش تشویقی، تقلید و بازی نمایشی را دربر دارد. برخی از این روش‌ها با روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام که عبارتند از الگودهی، موعظه حسنه، تمثیل، تشبیه و قصه‌گویی و ایجاد عادات درست از کودکی، مشابه‌اند. اما کیفیات و جزئیات پیاده‌سازی این روش‌ها در این دو رویکرد متفاوتند. برای نمونه، در روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در روش الگودهی، الگویی که به کودک ارائه می‌شود ارزش‌های متفاوتی را نسبت به نظرات روان‌شناسی نوین باید در خود داشته باشد تا بتواند الگوی مناسبی برای کودک به‌شمار رود. تزکیه و تهذیب از پیش‌نیازهای اصلی یک الگو در دیدگاه اسلام است. همچنین در مورد نقش مادر در تربیت کودک در این دو دیدگاه تفاوت‌های اساسی وجود دارد. مادر در روش تربیتی حضرت زهرا علیها السلام صرفاً یک پرستار خوب به‌شمار نمی‌رود و نقش غیرقابل جایگزینی در رشد و تربیت کودک دارد. اما در روان‌شناسی نوین، هر فردی که بتواند دستورالعمل خاصی را در مورد کودک اجرا کند، صلاحیت نگهداری از کودک را می‌یابد و اصراری بر حضور مادر در کنار طفل برای رشد همه‌جانبه وی وجود ندارد.

منابع

ابن‌حیون، نعمان‌بن محمد (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، چ دوم، قم، مؤسسه آل‌البیت.
 ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن علی (۱۳۷۶)، تحف العقول، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، فرزانه روز.
 احمدی، سید احمد (۱۳۶۴)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، تهران، جهاد دانشگاهی.
 انصاری، عذرا (۱۳۷۲)، جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا علیها السلام، چ شانزدهم، قم، بوستان کتاب.
 باقری، خسرو (۱۳۷۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه.
 جمعی از مؤلفان (۱۳۸۸)، روان‌شناسی رشد (۱)، تهران، سمت.